ریشه روابط اهل بیت

خب اگر این طور است که هر کس، دیگری را می خواهد در واقع برای خودش می خواهد، از اینجا معلوم می شود اگر خدای متعال یک عدّه ای را فرمود: اینها مَثَل نور هدایت منَند، خدا جزاف گو نیست. به شوخی نمی آید بگوید: «**کمشکاة**»، که مشکات بشوند رسول الله - صلی الله علیه وآله- مصباح بشوند امیرالمؤمنین، زُجاجه بشوند سِبطَین، کوکب دریّ بشوند حضرت صدیقه - سلام الله علیها، این که شوخی جزاف نمی شود.

خداخواهی

خدا که برای این ها مثال هدایت می زند، می خواهد بگوید: اگر حضرت زهرا سلام الله علیها ما را می خواهند -آلآن در قرن ِپانزدهم، پانزده قرن گذشته اینجا جمع می شویم و به یادشان مجلس می گیریم- این ها فرق دارند با همه جای دیگر، شما را برای خودشان نمی خواهند. شما را برای خدا می خواهند. برای خودتان می خواهند تا شما را به خدا برسانند. این است که ارزش پیدا می کند.

اگر ائمه معصومین مثل دیگران مردم را برای خودشان می خواستند، اصلش بر می گشت به خودخواهی. این که این وجودهای مبارک لیاقت پیدا می کنند که خدای متعال آنها را مَثَل هدایت قرار بدهد به خاطر این است که اگر ما را می خواهند، برای خدا می خواهند، برای کمال خودمان و خالق ما می خواهند.

حضرات؛ آینه محض الهی

آینه محض هستند. شما می روید جلوی آینه، صورت خودتان را می بینید و خودتان را اصلاح می کنید بعداً که بر می گردید،می پرسند: آیا آینه گرد بود یا مستطیل؟ شما می گویید: من اصلاً آینه را ندیدم.

خدای متعال اینها را آینه کمالات اسمای خودش قرار داده، یعنی چه؟ یعنی شک نکنید اگر در ِخا حضرت سیدالشهداء می روید اصلاً حضرت، شما را برای خودشان نمی‌خواهند اگر برای خودشان می خواستند که مرآت الهی نبودند، این همه سفارش شده که اربعین بیایید کربلا برای زیارت جد ما، برای چه؟ برای خودشان که همه مردم بگویند: حسین؟! کجا این طور است؟! وقتی آخر ِکار پرده ها کنار برود، می بینیم که ذرّه ای ما را برای خودشان نمی خواستند؛ برای خودمان می خواستند، برای خدای متعال می خواستند که ما به معرفت برسیم، این است که ارزش پیدا می کند.

«سقاهم ربهم شرابا طهورا»

مضامین عالی سوره دهر

آیات متعددی راجع به حضرت صدیقه - سلام الله علیها- و ائمه اطهار - علیهم السلام است: یکی در سوره مبارکه دهر است «**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُورا**[1]» مفسّرین می گویند: اینجا کلمه«هل» بمعنای «بل» است[2] خب ما هم

حرفی ندارم ولی اگر نگاه کنم سوره برای چه کسی نازل شده؟ استفهام معنا پیدا می کند:« **امتَحَنَکَ اللهُ الّذی خَلَقَکَ قَبلَ أن یَخلُقَکَ**[3]» ببینید دیگر نیاز نیست «هَل» را بمعنای «بَل» بگیرید، قرآن کریم است، سوره هم راجع به اهل عصمت نازل شده است. بسیار خوب. کل سوره راجع به خمس طیّبه است، آیاتی در این سوره است که هیچ کجای قرآن این چنین مضامینی نیست.

یکی را حاج آقا علاقه بند - خدا حفظشان کند و طول عمرشان بدهد- از مرحوم حاج شیخ غلامرضا نقل می کردند -چه نکات زیبایی استفاده می کردند ان شاء الله خداوند همه ما را به راه آنها ببرد و طوری نباشد از راه آنها منحرف بشویم. خدا منّت بر همه ما بگذارد به هدایت و بقای هدایت ان شاءالله- می گفتند: ببینید آیه می فرماید:«**إنّ الأبرارَ یَشرَبونَ مِن کأسٍ کانَ مِزاجُها کافورا عَیناً**

یَشرَبُ بها[4]» نفرمود:«**یشرب منها**» چشمه ای که از او می نوشند نه، بلکه می فرماید: چشمه ای که به او می نوشند. یعنی چه؟ دنبال آیه آمده :«**یُفَجِّرُونَها تَفجیراً**»: هرچه نهر اینجاست به اراده آن ها جاری می شود و ایجاد کنند نهر هستند و لذا دیگران باید از این نهرها بنوشند. چند آیه بعد می فرماید:« **قَواریرا مِن فِضّةٍ قَدَّرُوها تَقْدیرا**[5]»: چیزهایی که در بهشت هست آنها خودشان مقدّر اینها هستند و همه نظام و تکوینش دست خودشان است.

شراب طهور: طهارت از ماسوی الله

این مضامینی که در سوره دهر که راجع به خمس طیّبه است آمده، در سوره های دیگر نیست. می رسد تا کجا؟ تا آنجا که به به «**وَسَقاهُم رَبُّهُم شَرابا طَهُورا**»

استادی هستند بزرگوار که سر درس مکرّر این را می گفتند: «خدا را گواه می گیرم اگر از روی تعصّب بگویم، یک عمر در بین کتابهای عرفان و کلام و فلسفه درس خوانده ام در این همه کتاب من ندیدم که این جمله امام صادق - سلام الله علیه که در ذیل این آیه گفته شده را گفته باشد[6].امام صادق - سلام الله علیه- در تفسیر مجمع البیان مرحوم طبرسی که قبرشان در مشهد است در ذیل این آیه فرمودند:« **یُطَهِّرُهُم - صلوات الله علیه- : وَوَهُ عَن جَعفرِ بن محمّد عَن کُلِّ شَیءٍ سِوَی اللهِ إذا لا طاهرَ مِن تَدَنُّس بِشَیءٍ مِن الأکوانِ إلاّ اللهِ**[7]»

دَنَس به چرکی و پلیدی می گویند، امام صادق می فرمایند: هر چه غیر خداست یک جور چرک و پلیدی است و خداوند متعال شرابی به آنها می دهد که ذرّه ای از چرک و پلیدی در آنها نیست.

حال دیدی عرض کردم سیدالشهداء که می فرمایند: بیایید در خانه من، ما را برای خودشان نمی خواهند؟ کسی که دَنَس دارد ما را برای خودش می خواهد، کسی که خدا شراب طهور به او داده و از تدنّس پاکش کرده ما را برای خدا می خواهد. خدا را شکر گزاریم که توفیق داد در این مجالس شرکت کردیم« **لإن شَکَرتُم لأزیدَنّکُم**».

خانه اهل بیت: خانه خداوند

نکته ای که عرض کردم هم ضمیمه کنید که اگر می گویند: بیایید، برای خودشان نیست وقتی در خانه آنها می روید در خانه خدا رفته اید«**مَن أرادَ اللهَ بَدَءَ بِکُم وَمَن وَحّدَهُ قَبلَ عَن کم**[8]»شما باب توجّه الهی هستید، چرا؟ چون هیچ از خودتان ندارید وقتی کسی سراغ شما بیاید سراغ خدا رفته است.

در اوّل دعا ندبه می خوانیم که خدای متعال از آنها عهد گرفته «**أَخَذتَ عَلَیهِمُ العَهدَ فی دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنیا الدَّنِیَّة**» آنها هم به عهد خدا وفا کردند«**فَعَلِمتَ مِنهُمُ الوَفاءَ بِهِ فَقَبِلتَهُم وَ قَرَّبتَهُم**[9]»

---

[1] سوره الدهر، آیه ۱

[2] المعنی

«هل أتی» معناه قد أتی «علی الإنسان» أی أ لم یأت علی الإنسان «حین من الدهر» و قد کان شیئا «لم یکن شیئا مذکورا» لأنه کان ترابا و طینا إلی أن نفخ فیه الروح عن الزجاج و علی هذا الم أنه «لم یکن شیئا مذکورا» فهل هنا استفهام یراد به التقریر قال الجبائی و هو تقریر علی ألطف الوجوه و تقدیره أیها المنکر للصانع و قدرته أ لیس قد أتی علیک دهور لم تکن شیئا مذکورا ثم ذکرت و کل أحد یعلم من نفسه أنه لم یکن موجودا ثم وجد فإذا تفکر فی ذلک علم أن له صانعا صنعه و محدثا أحدثه و المراد بالإنسان هنا آدم (ع) و هو أول من سمی به عن الحسن و قتادة و سفیان و الجبائی و قیل إن المراد به کل إنسان و الألف و اللام للجنس عن أبی مسلم و قیل أنه أتی علی آدم (ع) أربعون سنة لم یکن شیئا مذکورا لا فی السماء و لا فی الأرض بل کان جسدا ملقی من طین قبل أن ینفخ فیه الروح و روی عطاء عن ابن عباس أنه تم خلقه بعد عشرین و مائة سنة و

روی العیاشی بإسناده عن عبد الله بن بکیر عن زرارة قال سألت أبا جعفر (ع) عن قوله «لم یکن شیئا مذکورا» قال کان شیئا و لم یکن مذکورا

و بإسناده عن سعید الحداد عن أبی جعفر (ع) قال کان مذکورا فی العلم و لم یکن مذکورا فی الخلق و عن عبد الأعلی مولی آل سام عن أبی عبد الله (ع) مثله

و عن حمران بن أعین قال سألت عنه فقال کان شیئا مقدورا و لم یکن مکونا،

و فی هذا دلالة علی أن المعدوم معلوم و إن لم یکن مذکورا و إن المعدوم یسمی شیئا فإذا حملت الإنسان علی الجنس فالمراد أنه قبل الولادة لا یعرف و لا یذکر و لا یدری من هو و ما یراد به بل یکون معدوما ثم یوجد فی صلب أبیه ثم فی رحم أمه إلی وقت الولادة و قیل المراد به العلماء و أنهم کانوا لا یذکرون فصیرهم الله سبحانه بالعلم مذکورین بین الخاص و العام فی حیاتهم و بعد مماتهم و سمع عمر بن الخطاب رجلا یقرأ هذه الآیة فقال لیت ذلک ثم یعنی لیت آدم بقی علی ما کان فکان لا یلد و لا یتألم(مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج10، ص ۶۱۴-۶۱۵)

قوله تعالی. «هل أتی علی الإنسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا» الاستفهام للتقریر فیفید ثبوت معنی الجملة و تحققه أی قد أتی علی الإنسان «إلخ» و لعل هذا مما قال من قدماء المفسرین: إن «هل» فی الآیة بمعنی قد، لا علی أن ذلک أحد معانی «هل» کما ذکره بعضهم.

و المراد بالإنسان الجنس. و أما قول بعضهم: إن المراد به آدم (ع) فلا یلائمه قوله فی الآیة التالیة: «إنا خلقنا الإنسان من نطفة».

و الحین قطعة من الزمان محدودة قصیرة کانت أو طویلة، و الدهر الزمان الممتد من دون تحدید بدایة أو نهایة.

و قوله: «شيئا مذكورا» أي شيئا ذكر باسمه في المذكورات أي كان ذكر مثل الأرض و السماء و البر و البحر و غير ذلك و ال ذكر الإنسان لأنه لم يوجد بعد حتى وجد فقيل: الإنسان فكونه مذكورا كناية عن كونه موجودا بالفعل فالنفي في قوله: «لم يكن شيئا مذكورا» متوجه إلى كونه شيئا مذكورا ال إلى أصل كونه شيئا و لم يكن شيئا مذكورا و يؤيده قوله: «إنا خلقنا الإنسان من نطفة» إلخ فقد كان موجودا بمادته و لم يتكون بعد إنسانا بالفعل و لا آية و علامة تولاها من الآيات واقعة في سياق الاحتجاج يبين بها أن الإنسان حادث يحتاج في وجوده إلى صانع يصنعه و خالق يخلقه، و قد خلقه ربه و جهزه التدبير الربوبي بأدوات الشعور من السمع و البصر يهتدي بها إلى السبيل الحق الذي من الواجب أن يسلكه مدى حياته فإن كفر فمصيره إلى عذاب أليم و إن شكر فإلى نعيم مقيم.

و المعنى له أتى- قد أتى- على الإنسان قطعة محدودة من هذا الزمان الممتد- غير المحدود و الحال أنه لم يكن موجودا بالفعل مذكورا في عداد المذكورات.(الميزان في تفسير القرآن، ج٢٠، ص ١٢١-١٢٠)

[3] العباس المنصوري قال حدثنا إبراهيم بن محمد بن عيسى بن محمد العريضي قال حدثنا أبو جعفر ع ذات يوم قال: إذا صرت إلى قبر جدتك فاطمة ع قل اي ممتحنة امتحنك الله الذي خلقك قبل أن يخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة و زعمنا أنا لك أولياء و مصدقون و صابرون لكل ما أتانا به أبوك ص و أتانا به وصيه ع فإنا نسألك إن كنا صدقناك إلا ألحقتنا بتصديقنا لهما بالبشرى لنبشر أنفسنا بأنا قد طهرنا وواليتك.(تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج ٦ ؛ ص١٠)

اي ممتحنة امتحنك الله الذي خلقك قبل أن يخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة و زعمنا أنا لك أولياء و مصدقون و صابرون لكل ما أتانا به أبوك صلى الله عليه و آله و أتى به وصيه فإنا نسألك إن كنا صدقناك إلا ألحقتنا بتصديقنا لهما لنبشر أنفسنا بأنا قد طهرنا وواليتك.(مصباح المتهجد و سلاح المتعبد / ج2 / ٧١١ / دعاء الموقف لعلي بن الحسين ع ..... ص : ٦٨٩)

2 السلام عليك اي ممتحنة، امتحنك الله الذي خلقك قبل أن يخلقك، فوجدك لما امتحنك صابرة، و نحن لك أولياء و مصدقون و صابرون لكل ما أتانا به أبوك صلى الله عليه و آله و أتانا به وصيه(المزار الكبير (لابن المشهدي) / ٧٩/ 2 - زيارة أخرى لها عليها السلام: ..... ص : ٧٩)

اي ممتحنة امتحنك الله الذي خلقك فوجدك لما امتحنك صابرة و زعمنا أنا لك أولياء و مصدقون و صابرون لكل ما أتانا به أبوك صلى الله عليه و آله و أتى به وصيه فإنا نسألك إن كنا صدقناك إلا ألحقتنا بتصديقنا لهما لنبشر أنفسنا بأنا قد طهرنا وواليتك.(المزار (للشهيد الاول) / 21 / زيارة فاطمة ع عند الروضة ..... ص : ٢٠)

[4] سورة الدهر، آية ٢

[5] سورة الدهر، آية ١٦

[6] امين الاسلام طبرسى در تفسير عظيم الشأن مجمع البيان در تفسير كريمه وَ سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً از امام صادق عليه السلام بدين صورت روايت كرده است:

أي يطهّرهم عن كل شيء سوى اللّه إذ لا طاهر من تدنّس بشيء من الأكوان إلّا اللّه.

روه عن جعفر بن محمد عليه السلام.

در نوشتههايم گفتهام:

من در امّت خاتم صلى اللّه عليه و آله و سلّم از عرب و عجم، كالمى بدين پايه كه از صادق آل محمّد غايت قصواى طهارت انسانى رواياتى شده است، از هيچ عارفى و حكيمى نه ديدهام و نه شنيدهام.(هزار و يك كلمه ؛ ج ۲ ؛ ص۴۶۶-۴۶۷)

[7] قيل: يطهرهم عن كل شيء سوى الله إذ ال طاهر من تدنس بشيء من الأكوان إلا الله روحه عن جعفر بن محمد (ع)(مجمع البيان في تفسير القرآن،ج10،ص623)

اصل اين روايت در حقائق التفسير ابوعبدالرحمن سلمى ذكر شده است و پس از آن در الكشف و البيان ثعلبى:

قوله تعالى: و سقاهم

قال جعفر: سقاهم التوحيد في السر فنأى هو عن جميع ما سواه فلم يفيقوا الا عند المعاينه و رفع الحجاب فيما بينهم و بينه و اخذ الشراب فيها اخذ عنه فلم يبق عليه منه باقيه و حصله في ميدان الحصول و القبضه

...و قال جعفر قوله شراباً طهوراً طهرهم به عن كل ما سواه اذا ال طاهر من يدنس بشيء من الاكوان.(حقائق التفسير (تفسير السلمى) ص ۳۶۵)

و قال جعفر: يطهرهم به عن كل شيء سواه، إذ ال طاهر من تدنس شيء من الأكوان.(الكشف و البيان (تفسير ثعلبى)، ج10، ص: ۱۰۵)

[8] و قل السلام عليك اي حجة الله و ابن حجته ... من أراد الله بدأ بكم بكم يبين الله الكذب منكم و بكم يباعد الله الزمان الكلب و بكم فتح الله و بكم يختم الله و بكم يمحو ما يشاء و بكم يثبت و بكم يفك الذل من رقابنا و بكم يدرك الله ترة كل مؤمن يطلب بها و بكم تنبت الأرض أشجارها و بكم تخرج الأشجار أثمارها و بكم تنزل السماء قطرها و رزقها(الكافي (ط - الإسلامية) / ج۴ / ۵۷۶/ باب زيارة قبر أبي عبد الله الحسين بن علي ع ..... ص : ۵۷۲)

من أراد الله بدأ بكم [من أراد الله بدأ بكم من أراد الله بدأ بكم]- بكم يبين الله الكذب و بكم يباعد الله الزمان الكلب و بكم فتح الله و بكم يختم الله و بكم يمحوا الله ما يشاء و بكم يثبت و بكم يفك الذل من رقابنا و بكم يدرك الله ترة كل مؤمن يطلب- [تطلب] و بكم تنبت الأرض(كامل الزيارات / النص / ۱۹۹/ زيارة أخرى ..... ص : ۱۹۷)

من أراد الله بدأ بكم و من وحده قبل عنكم و من قصده توجه بكم (من لا يحضره الفقيه / ج2 / 615 / زيارة جامعة لجميع الأئمة ع ..... ص : ۶۰۹)

بأبي أنتم و أمي و نفسي و أهلي و مالي من أراد الله بدأ بكم و من وحده قبل عنكم و من قصده توجه إليكم موالي لا أحصي ثناءكم و لا أبلغ من المدح كنهكم و من الوصف قدركم و أنتم نور الأخيار و هداة الأبرار و حجج الجبار (عيون أخبار الرضا عليه السلام / ج۲ / ۲۷۶/ زيارة أخرى جامعة للرضا علي بن موسى ع و لجميع الأئمة ع ..... ص : ۲۷۲)

من أراد الله بدأ بكم و بكم يبين الله الكذب و بكم يباعد الزمان الكلب و بكم فتح الله و بكم يختم و بكم يمحو ما يشاء و بكم يثبت و بكم يفك الذل من رقابنا و بكم يدرك الله ترة كل مؤمن تطلب (تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) / ج۶ / ۵۵/ ۱۸ - باب زيارته ع ..... ص : ۵۴)

من و مكم عنكم قبل وحده و من و بكم أدب الله دار أرسرتي من أم و مالي و أهلي و نفسي و مي و أم و أنتم بأبي
تم و أنتم دقركم و فصل الوم بكم وجوه تصدق
من الدمح كنهكم و من ال أبلغ من ال و مكم اثناءكم أحصي
ثيغلا نزلي مكم يتخم و بكم فتح الله و بكم يفن س الهم و بكم ينذإ بإ ال الرض و عندكم ام نزلت به رسله
السماء أن تقع على الأرض إ
(تحقيق خرسان) / ج ٦ / ٩٩/ ٤٦ - باب زيارة جامعة لسائر
الشهداء على أصحابها السلام ..... ص : ٩٥)

[9] اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في أوليائك الذين استخلصتهم لنفسك و دينك إذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي ال زوال له و ال انقضاء لبقائه بعد أن شرطت عليهم الزهد في دار الدنيا الدنية و زخرفها و زبرجها فشرطوا لك ذلك و علمت منهم الوفاء به فقبلتهم و قربتهم(إقبال الأعمال (ط - القديمة) ؛ ج1 ؛ ص٢٨٥)

ثم قال السيد رضي الله عنه ذكر بعض أصحابنا قال قال محمد بن علي بن أبي قرة نقلت من كتاب محمد بن الحسين بن سفيان البزوفري رضي الله عنه دعاء الندبة و ذكر أنه الدعاء صاحب الزمان صلوات الله عليه و يستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة و هو الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد نبيه و آله و سلم تسليما اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في أوليائك الذين استخلصتهم لنفسك و دينك إذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي ال زوال له و ال انقضاء لبقائه بعد أن شرطت عليهم الزهد في دار الدنيا الدنية و زخرفها و زبرجها فشرطوا لك ذلك و علمت منهم الوفاء به فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذكر العلي و الثناء الجلي و أهبطت عليهم ملائكتك و كرمتهم بوحيك و رفدتهم(بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج٩٩ ؛ ص١٠٤)

بعد أن شرطت عليهم الزهد في دار الدنيا الدنية و زخرفها و زبرجها فشرطوا لك ذلك و علمت منهم الوفاء به فقبلتهم و قربتهم (زاد المعاد - مفتاح الجنان ؛ ص٣٠٤)

بازبینی #1
ایجاد شده 3 آوریل 2025 15:52:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 آوریل 2025 16:49:30 توسط ... .